

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اخذ اجرت

مسئله وظیفه گرفتن خدمت گذاران دولت و وکلاء ملت اینکه سؤال نمودید آیا ماهیانه اخذ کردن مستخدمین دولتی و خدمتکاران ادارات ایرانی جایز است یا نه؟ در جواب معروض میدارم که اجرت اخذکنندگان بعد از شرط درستکاری و خدمتگذاری واقعی و عدم خیانت بدولت و ملت اسلامی دو نوع است نوع اول با شرط مذکور و عالم بودن ایشان باقتضای زمان و علم بمصالح و مفسد وقت نسبت بدولت و ملت آن کسانند که معاش و گذران و املاک بقدر کفاف ندارند و بدون اخذ ماهیانه نمیتوانند زندگی نمایند پس از برای این نحو خدمت کنندگان اخذ اجرت در مقابل خدمت جایز است نوع دوم آن اشخاصند که با وجود علم بمقتضیات وقت و درستکاری و عدم خیانت نمائی معاش کافی و گذرانی وافی دارند پس در این فرض اخذ اجرت و گرفتن حق زحمت جایز نیست زیرا که این خدمتگذاری با شرط درستکاری و عدم خیانت دولتی از واجبات و از عبادات شرعیه است بصریح آیه در سوره مائده **وَتَعَاوَنُوا عَلٰی الْبِرِّ وَالتَّقْوٰی** یعنی اعانت و مدد کاری بکنید بر نیکوکاری و درست رفتاری و بر نگه داری خودتان و پرهیزکاری پس بمضمون این آیه اعانت دولت و ملت اسلام با خدمت کردن واجب است چنانکه اعانت بر تقوی و پرهیزکاری مسلمانان با گفتن و نوشتن و ذکر و نشر

مسائل حلال و حرام و بیان احکام اسلام بعلماء اعلام واجب است و اخذ اجرت در مقابل اینها حرام است باجماع فقهاء شیعه و باتفاق علماء ملت و بلکه بصراحت آیات شریفه **قل لا اسئلكم علیه اجراً** در چند مورد **واتبعوا من لا یسئلكم اجراً** زیرا که مفاد اینها عدم اجرت است در مقابل ذکر احکام و در آیه سابقه امر بر اعانت به نیکوکاری که خدمت دولت و ملت است و برپرهیزکاری که خدمت علماء بر شرع انور است در يك مورد ذکر شده و در سوره نساء در قیم یتیم فرموده **و من كان غنياً فليستعفف و من كان فقيراً فلياكل بالمعروف** یعنی شخص غنی باید در مقابل حفظ مال یتیم اجرت اخذ نکند و اگر فقیر شد بقرار معروف بخورد و بقدر کفاف اخذ اجرت نماید و این آیه بر هر دو نوع شاهد است و بالجمله اعانت دولت و ملت بصریح آیه **وتعاونوا علی البر** واجب است و در مقابل بیان واجبات شرعیه اخذ اجرت حرام است برای کسیکه معاش کافی دارد و علاوه بر این اخذ اجرت از برای اعانت ملت و دولت منافات با تقوی دارد و در آیات شریفه اوامر اکیده بر تقوی وارد شده چنانکه در آل عمران فرموده **يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته و در تعابن میفرماید فاتقوا الله ما استطعتم** پس اخذ ماهیانه در مقابل خدمت شرعی باوجود قدرت ضد تقوی است بدون شك پس اگر خدمتگذاران صاحبان ثروت قبول خدمت نکنند بدون ماهیانه پس همان خدمت‌گذاری را واگذار فرمایند بر نوع اول از آن کسانی که علم کامل دارند باقتضای وقت و

معاش بقدر کفاف ندارند تا آنکه ایشان از جهت معاش آسوده شوند و با فراغت بال مشغول خدمت باشند و در پیشرفت امور مسلمین سعی و دقت نمایند و با نهایت درستکاری عمل بکنند و معنای عدالت نیز همین است که در آیات شریفه بآن امر شده چنانکه در شوری فرموده **وامرت لاعدل بینکم** و در مائده میفرماید **اعدلوا هو اقرب للتقوی** و ایضاً در آن سوره فرموده **ولایجر منکم شان قوم ان لاتعدلوا** و بصریح این آیات عدالت کردن از واجبات شرعیه و از قوانین اسلامیه است و عدالت خدمت کنندگان دولت و ملت با وجود ثروت ایشان و اگذار کردن همان خدمت است بر آن کسانی که معاش ندارند و در خدمت کردن مثل صاحبان ثروت میباشند و علم باقتضای وقت دارند و این عدالت که حکم قرآن است تمسک کردن بحبل الله است که در آل عمران فرموده **واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا** و مراد از حبل الله قرآن است بصریح احادیث کثیره در تفسیر آیه و عمل باحکام قرآن از اهم تکالیف اهل اسلام است بضرورت دین و منکرش کافر است بلی اگر نظامیان اخذ ماهیانه نمایند عیب ندارد زیرا که خدمت نظامی اهم و زحمت او اشد و در عوض جان دادن و اتلاف نفس خود است و اجرت ایشان اندک است در مقابل این خدمت

حرره الاحقر الارومی عرب باغی

(دویم محرم ۱۳۴۴)